

همچنان گل مینای جوان...

در جاده ی تاریخ

ایستگاه ضرورت

پیاده می شوم

و شمارش می کنم

لحظه ی سرخ موعود را

(مینا حق شناس)

در روزگار سلطه ی میان مایگی و در این روزهای عزادار بارانی، ما یک رفیق مبارز و انقلابی، مارکسیست-فمینیست پیشرو و یک انقلابی حرفه ای عزیز را از دست داده ایم که تمام زندگی اش را برای جنبش کمونیستی و ساختن جهانی نو و عاری از هر گونه ستم و تبعیض در طبق فداکاری رفیقانه نهاد. بی شک مینا حق شناس پویانده ی راهی بود که پیش از او زنان و مردان مبارز بسیاری در طول تاریخ همچون رزا لوگزامبورگ، کلارا زتکین، کولنتای، مری جونز و... پیموده بودند و رفیق مینا هم ادامه دهنده ی راه آن ها و همه ی مبارزان کمونیست و انترناسیونالیست بود.

مینا نماینده ی نسلی است که زنده گی شان به تمامی مبارزه با نظم جهان کهن برای خلق جهانی نوین بود و صد البته مینا و زنان مبارز همانند او، نیروی های پیشرو این نسل اند که مبارزه با مردسالاری و تبعیض جنسیتی را به فردای انقلاب کمونیستی موکول نکردند و بر این اساس به مبارزه شان علیه ستم و تبعیض و نابرابری در همه ی جهات وسعت بخشیدند. اکنون اگر چه زمان ستاره ی پُر فروغ حضور گرم مینا را از ما گرفت اما زمانه، زمانه ی میناهاست که مینا حق شناس افق فراروی را برای مبارزه نشان می دهد.

امروز از این زنان و مبارزان باید سخن ها گفت. زنان مبارزی که مینا حق شناس نمونه و الگویی از وجود و حضور درخشان آن هاست و جهانی یکسر نو را در دیدرس به ما نشان می دهند.

مرگ یک شوخی بیشتر نیست با بزرگان، نه هرگز باور نداریم رفیقی چنین استوار از میان ما رفته باشد و نرفته است. این هم مرحله ای از نبرد همیشگی ماست. مرگ با یاس و ناامیدی و انفعال ما معنا می یابد، پس بر می خیزیم.

باشد که گل مینای جوان، الهام بخش ما برای مبارزه علیه تمام اشکال تبعیض و ستم و نابرابری باشد.

یادش گرامی و راهش پُر رهرو باد

گروه پروسه